

علامه شیخ محمد تقی قمی: پایه گذار تاسیس دارالتقرب

نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقرب میان مذاهب اسلامی است.



نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقرب میان مذاهب اسلامی است. در خانواده ای از اهل علم و دانش، در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی (مطابق با ۱۹۱۰ میلادی) در شهر مقدس قم، نوزادی به دنیا آمد که وی را محمدتقی نام نهادند. پدرش شیخ احمد از عالمان دین، و یکی از قضات بزرگ شهر تهران بوده است. وی دروس ابتدایی را در تهران فرا گرفت و به حفظ قرآن و یادگیری زبان و ادبیات عربی پرداخت. پس از سپری کردن دوره تحصیلات دبیرستان به مدرسه عالی ادبیات راه یافت و در خلال آن به فراگیری زبان فرانسوی پرداخت و همزمان به تحصیل علوم دینی هم مشغول شد و زیر نظر اساتید برجسته، در علم فقه، اصول، کلام و سایر علوم دینی به آموزش و پژوهش پرداخت. وی در ادامه تلاش های علمی اش علاوه بر سه زبان فارسی، عربی، فرانسوی، با زبان انگلیسی هم آشنا شد از این رو، به منابع وسیعی دسترسی داشت و با احاطه بر آنها همواره بر اندوخته های علمی اش می افزود و پس از چندی به درجه استادی رسید و در عرصه علمی - فرهنگی فعالیت خوبی را ارائه داده است.

زمینه های روی آوری بیشتر به تقرب

نگاه اجمالی به تلاش شصت ساله علامه شیخ محمدتقی قمی بیانگر اهتمام ویژه وی به مسأله تقرب میان مذاهب اسلامی است. لیکن پیش از پرداختن به زوایای گوناگون آن، شایسته است به زمینه های روی آوری وی به تقرب اشاره ای شود. وی همانند دیگر مصلحان امت اسلامی از وضعیت نابهنجار عمومی جامعه اسلامی به ویژه درگیری های میان شیعه و سنی رنج می برد. به ویژه آن که در زمان وی حادثه دردناک کشتن (اعدام) يك حاجی ایرانی از ذریه پیامبر(صلی الله علیه وآله) به اتهام اهانت به کعبه مکرمه اتفاق افتاد. اجمال آن چنین بود که یکی از حجاج ایرانی در اثناء طواف، حالش به هم خورد، و نتوانست از میان طواف کنندگان خودش را بیرون کشد، دامن پیراهنش را جمع کرد و آنچه را که بالا آورده بود در آن ریخت تا مبادا، مطاف و مسجد الأرض آلوده گردد، سپس با سرعت خواست از مسجد خارج گردد که پلیس وی را دستگیر کرده، از آنچه که در دامنش بود، پرسید و چون وی نتوانست به عربی سخن گوید تلاش کرد به زبان فارسی جریان را به او بفهماند ولی نتوانست او را متوجه سازد. پلیس وی را تحویل دادگاه داد و در آن زمان ها یا مترجمان فارسی زبان نبودند یا آنان پیگیری نکردند و بر اساس اوهام و خیالبافی های خود و برداشت های نادرستی که از ایرانی و شیعه داشتند، تصور کرده اند که همه ایرانی ها جهت حج به نجف و کربلا می روند و آمدن آنها به مکه فقط برای اهانت کردن بیت الله الحرام است!! و سپس نتیجه گرفتند که این شخص قصد داشت کعبه را نجس و اهانت کند، لذا، حکم اعدام صادر کردند... و با اجرای حکم، گردنش را زدند!!!

این حادثه دردناک، روح و جان شیخ محمدتقی را تکان داده است و وی را واداشت تا به کار بزرگی پردازد که بتواند میان مذاهب مختلف، آشتی و روح محبت و مودت ایجاد کند و عوامل تفرقه و کینه را از میان بردارد.

سفر به لبنان

از این رو، برای آغاز فعالیت، کشور مصر را برگزید که به چند جهت حائز اهمیت بود و مهم ترین آن برخوردار بودن از بزرگترین مرکز اسلامی در جهان بود به نام دانشگاه ازهر و از آن جا که شیخ در ابتدا نتوانست به خوبی به زبان عربی تکلم کند، به لبنان مسافرت کرد تا به تقویت مکالمه عربی بپردازد.

وی یکی از روستاها را برای اقامت انتخاب کرد تا با پیران و جوانان در طول شبانه روز به گفتگو و معاشرت پردازد و بتواند از این طریق در طول چند ماه، بر تکلم عربی مسلط شود.

شیخ محمدتقی در خاطرات این ایام، جریان يك مرد مسیحی را - در برخی از مقالاتش آورده است - که سعی می کرده، محبت و دوستی اهل روستا را کسب کند و مردم روستا هم وی را دوست داشته، احترام خاصی برای او قائل بودند به گونه ای که وقتی به خیابان می رفت، مردم بر گردش حلقه می زدند، با او سخن می گفتند، دستش را می بوسیدند.

این گونه برخوردهای محبت آمیز، پرشوی را در ذهن شیخ برانگیخت تا این که روزی، راز و رمز آن را از مرد مسیحی پرسید، وی در پاسخ با اشاره به مدرسه ای که در کنار کلیسای روستا قرار داشته، گفت: علت این همه صمیمیت و احترام این مدرسه است. ما سعی می کنیم در کنار هر کلیسا، مدرسه ای دایر کنیم و در آن فرزندان روستا را از نظر فکری، روحی و عاطفی پرورش دهیم و آنچه که می بینید، ثمره این تلاش است.

این جریان، شیخ را به یاد پیشرفت و تمدن اسلامی در عصر طلایش انداخت که همواره دانش و تعلیم و تربیت از مسجد جدا نبوده و فاصله نگرفته بود.

سفر به مصر

پس از کامل کردن محاوره و مکالمه زبان عربی و کتابت آن، در سال ۱۹۳۸ میلادی علامه شیخ محمدتقی قمی لبنان را به قصد مصر ترک کرد و با اولین شخصیتی که در آن جا ارتباط برقرار کرد، رئیس الازهر - وقت، شیخ بزرگ محمد مصطفی مراغب بود. وضعیت کینه و تفرقه و تشتت مسلمانان را برای وی بازگفت و اندیشه تقریب میان مذاهب اسلامی را مطرح کرد. شیخ مراغب - با توجه به وضعیت سیاسی و اختلافی که در آن عصر حکم فرما بود - با ترس و لرز اصل موضوع را پسندید و وی را مورد تشویق قرار داد و بعدها به گونه های گوناگون این اندیشه را دنبال کرد و کمک های لازم را ارائه نمود. در گام بعدی، به علامه قمی پیشنهاد داد که کارش را با برگزاری يك سلسله سخنرانی در دانشگاه الازهر و جاهای دیگر آغاز کند و برای این که وی به راحتی بتواند با برخی از شخصیت ها به ویژه متفکران تقریبی ارتباط برقرار کند، زمینه های مساعدی فراهم شده است.

در پی آن، علامه بلاغی، خانه ای محقر برای محل اسکان و زندگی اش اجاره کرد که پس از آن مرکزی برای فعالیت علمی و سپس مقری فعال برای تقریب در قاهره به شمار رفت.

در خلال اقامتش در مصر، با متفکران و اندیشمندان مختلف در دانشگاه الازهر ارتباط برقرار کرد که هر يك از آنان نسبت به شخصیت علمی، ادبی، و اخلاص و مودت به وی ابراز علاقه وافر نموده اند.

با آغاز جنگ جهانی دوم، علامه قمی، مجبور شد به ایران برگردد و در این میان همانند گذشته به تقریب میان مذاهب اسلامی پرداخت. در این عصر - یعنی حدود سال ۱۹۴۵ میلادی - حضرت آیت الله العظمی سید حسین بروجردی در شهر قم مستقر بودند و شیخ محمدتقی با وی ملاقات کرد و شرح تفصیلی سفرش و اجمالی از فعالیتش را در موضوع تقریب ارائه نمود. آیه الله بروجردی با ابراز خوشحالی و تأیید فعالیت هایش، مقرر نمود که از این حرکت پشتیبانی شود. بدین سبب، طرح تقریب مورد تأکید بزرگترین مراجع دینی اهل سنت و شیعه قرار گرفتند؛ چیزی که می توان آن را یکی از ارکان اساسی پیروزی و موفقیت چنین طرحی برشمرد. تلاش های تقریبی

- سخنرانی در مجلس ویژه ای با حضور شخصیت های سیاسی و فرهنگی شهر مقدس مشهد، پیرامون تقریب مذاهب اسلامی.
- تقدیم نمودن فتوای تاریخی شیخ شلتوت مفتی بزرگ مصر، پیرامون جواز پیروی از مذهب شیعه جعفری (که با خط شیخ شلتوت بود)، به آستان قدس رضوی(علیه السلام).

- ارتباط و نامه نگاری با بزرگان شیعه. به عنوان نمونه، نامه ای که شیخ محمدتقی قمی خطاب به حضرت امام خمینی(رحمه الله)پیرامون صدور بیانه های معظم له در موضوع وحدت و انسجام مسلمانان (به ویژه شیعه و سنی) در ذیل از نظر می گذرانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم
حضرت آية الله العظمی خمینی دامت برکاته

بعد از سلام و تحیات قلبی
بیانیه های شما در مورد اخوت مسلمانان شیعه و سنی، و اهتمام حضرت عالی به مقابله با اختلاف و نهی از تفرقه بین گروه های اسلامی و تأکید بر عدم وجود حد فواصل بین شیعه و برادران اهل تسنن، در حقیقت با مسئولیت مرجع بزرگ اسلامی در صحنه جهان اسلام متناسب است. البته تأیید اتحاد محکم، به اذهان دعوت اصلاحی به سوی تقریب مذاهب اسلامی بر می گردد، من شخصاً از آن جایی که عمر خود را در راه این دعوت سپری کرده، و بار مسئولیت آن را در سطح جهانی تحمل کردم و از طرف خود و بزرگان علمای هر دو گروه که با من در سراسر جهان همکاری می کنند، نهایت ارزش را برای فرمایشات با ارزش شما قائلم و تأثیرات مثبت آن را در دعوت عظمت مسلمانان می ستایم.

برای حضرت عالی مزید توفیق در این راه برای تحقق اهداف متعالی اسلام خواهانم.

محمدتقی قمی ۱۳۵۷/۱۱/۲۸

(روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷)

- اقدام مهم تاریخی در تأسیس دارالتقریب بین المذاهب اسلامی، در سال ۱۳۶۰ هجری قمری به همراه آقایان: شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد مصطفی مراغب، مصطفی عبد الرزاق و عبدالمجید سلیم.

- انتشار مجله #171؛ رسالة الاسلام؛ که مطالب آن عموماً مربوط به تقریب مذاهب اسلامی، دعوت به وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و تفسیر قرآن کریم بود.

- نامه نگاری و روابطی صمیمانه با شیوخ وقت الازهر، خصوصاً شیخ محمود شلتوت.

برای پی بردن به عمق این روابط به چند مورد ذیل که توسط شیخ شلتوت برای ایشان نگاشت گردیده است، اشاره می گردد:

شیخ محمدتقی قمی، پیشوای مصلح و برادر من، نخستین کسی است که علماً را به مسأله تقریب دعوت کرد و به خاطر آن (از ایران به مصر) هجرت نمود.

آن قدر به او (شیخ محمدتقی قمی) ایمان دارم که در آخرت حاضر هر جا که او را بردند با او بروم، حال هر کس می خواهد بیسند یا نیسند.

و در نامه ای به علامه شیخ محمدتقی اینگونه می نویسد:

جناب آقای علامه جلیل استاد محمدتقی قمی

دبیر کل جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اما بعد با نهایت مسرت، يك نسخه از فتوای امضا شده خود را که در مورد جواز پیروی از مذهب شیعه امامیه صادر نموده ام، به پیوست حضورتان تقدیم می دارم، امیدوارم آن را در آرشيو دارالتقریب بین مذاهب اسلامی که اینجانب افتخار شرکت در تأسیس آن

را دارم، نگاه دارید.

خداوند ما را در پیشرفت رسالت این مؤسسه، توفیق عنایت فرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله

شیخ جامع الازهر

محمود شلتوت

همکاری با جماعة التقریب

تأسیس دار التقریب، گامی بود تا عالمان و اندیشمندان مذاهب اسلامی گرد هم آیند و در کنار یک دیگر چاره اندیشی های لازم را برای پیشرفت امت مسلمان ارائه دهند. شیخ قمی با علاقه ای که به این امر داشت، کار گروهی خود را ادامه داد، و روابط گسترده ای با اساتید و علما ایجاد کرد. در منزل محقر و بی آرایش وی، جلسه برگزار می گردید و برخی از جلسه ها در یکی از رواق های دانشگاه الازهر برگزار می شد و در آن مشکلات مسلمانان، مسائل و شبهه های مذهبی مطرح می گردید و گفتگوهای امیدوار کننده به گوش می رسید تا این که انسجام و اتحاد و همبستگی گروهی شکل بهتری به خود گرفت و تعدادی دیگر از معتقدان به تقریب به آن پیوستند.

شیخ مراغی هم همواره تلاش می کرد تا رسالت تقریب به سرانجامی مطلوب نایل آید. یکی از اقدام هایی که او انجام داد، این بود که شیخ قمی را به گروهی از علما معرفی نمود. این افراد از تلاش های وحدت مسلمانان و رفع تفرقه بین آنها حمایت می کردند. از جمله این علما، شیخ مصطفی عبدالرزاق بود که بعدها به ریاست الازهر رسید، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت (که هر دو آنها متولی ریاست الازهر شدند)، شیخ محمد مدنی و شیخ محمد علی علویه پاشا از دیگر حامیان شیخ قمی به حساب می آمدند. سپس شیخ قمی جمعی دیگر را برگزید، از جمله این بزرگان شیخ حسن البنا، شیخ عبدالعزیز عیسی و شیخ علی مؤید از کشور یمن و سید آلوسی فرزند صاحب تفسیر روح المعانی بود. از این گروه بود که هسته اولیه جمعیت همبستگی و تقریب شکل گرفت. همین جمعیت مؤسسه ای را بنیان نهاد که #171؛ دار التقریب؛ نام گرفت و خانه محقر شیخ قمی مرکز فعالیت آنها شد. (اتحاد و انسجام، ص ۴۵۳)

متعصبی در جمع گروه

علامه شیخ محمدتقی قمی می گوید: #171؛ از بین اعضای جمعیت، شخصی متعصب در مذهب و مخالف با هرگونه نظریه، نسبت به همبستگی با شیعه را انتخاب کردم. زمانی که شیخ مراغی از این موضوع اطلاع یافت، شخصی را نزد من فرستاد و با تعجب از من پرسید، چرا این شخص را انتخاب کردید؟ در جواب گفتم: او را با آگاهی از تعصب او انتخاب کردم، زیرا ما در بین خود کسی را می خواهیم که اعتراض ها را مطرح کند، به طور غیر مستقیم مسئول جواب دادن به آن سؤال باشیم. هنگامی که شیخ مراغی جوابم را شنید، نگرانی از صورتش برطرف شد و در حالی که خوشحالی، او را در خود غرق نموده بود، گفت: این نوع تفکر و آزادمنشی را به تو تبریک می گویم و شما با این ویژگی ها به طور قطع در دعوت خود موفق خواهید شد؛ (پیشینه تقریب، ص ۱۷۳-۱۷۴).

از دار التقریب تا مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

چند دهه از تأسیس دار التقریب سپری شد. عالمان و متفکرانی از اهل سنت و شیعه در این عرصه سخن گفتند، کتاب نوشتند، مقالاتی تدوین کردند و در مجلات و روزنامه ها نشر دادند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رویکرد وحدت امت اسلامی با افکار خردمندان حضرت امام خمینی(رحمه الله)، جان تازه ای گرفت و علاوه بر مسائل مذهبی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صدای وحدت آمیز بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و در پی آن اعلام هفته ای به نام وحدت، و مشارکت اقشار مختلف مردم در مراسم ویژه این هفته، بسیاری از آرزو و آمال اصحاب دار التقریب تحقق پیدا کرد، و هر روز بر یأس و نومیدی دشمنان اسلام و مسلمین افزوده شده بود.

در ادامه این تلاش، شاهکار دیگری صورت گرفت و آن تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی بود. زمانی که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه ای مدظله العالی با تدبیر و عنایت ویژه قصد راه اندازی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی را داشتند، معتقد بودند که احترام به پیشینیان اقتضا می کند که با علامه شیخ محمدتقی قمی مشورت نمایند. لذا، مقام معظم رهبری با واسطه، پیام شفاهی ای برای شیخ محمد تقی قمی که در پاریس بسر می برد فرستادند. شیخ بسیار خوشحال شد و با همان واسطه جواب خوب و مناسبی در تجلیل رهبر انقلاب فرستاد. پس از آن شنیده شد که این احترام و تجلیل معظم له از شیخ قمی، در وی انگیزه و نیرویی ایجاد کرده بود که باعث گردید دوباره به راه تقریب و برگشت به قاهره برای از سرگیری فعالیت های دار التقریب تصمیم بگیرد. ولی حادثه تصادف در یکی از خیابانهای پاریس در حالی که رهگذر بود به زندگی این بزرگمرد عرصه تقریب و الگوی همبستگی عصر حاضر پایان داد. (ر.ک: پیشینه تقریب، ص ۱۹)

پارسایی و خردمندی شیخ

گرچه شیخ محمدتقی قمی از حیث ظاهر دارای قامت لاغر و نحیف بود، لیکن مردی با وقار، با صورتی درخشان، منطقی و وزین، با متانت و اخلاقی کریم و دوست داشتنی برخوردار بود. این صفات از علت های پیروزی او در دعوتش بودند. ولی در عین بی چیزی و پارسایی شیخ قمی، مداوم این دیدگاه را در بین گروه های مختلف از علما و تحصیل کرده ها ترویج می داد و در تمام مجامع و مراکز به شهرت خیره کننده ای دست یافت. ولی با وجود این، شیخ، شدیداً از تنگدستی و کمبود مالی رنج می برد. خانواده اش در ایران به طور نسبی در آسایش بودند و در نیازمندی های مالی او را یاری می دادند. ولی شرایط به طور منظم آماده رسیدن پول به وی نمی شد. در برهه ای بحرانی از دوران تنگدستی، یکی از سفارتخانه های غربی در قاهره با او تماس گرفت و از او دعوت به عمل آورد. شیخ دعوت را پذیرفت و در آن جا اهداف و مقاصد خود را توضیح داد. سفیر، مبلغ چشم گیری پول به عنوان کمک به طرح او به ایشان

پیشنهاد نمود. شیخ از این پیشنهاد ناگهان یکه خورد. به ویژه، این پول در شرایط نیازمندی شدید برای او حاصل می شد. ولی او بعد از تأملی کوتاه خطاب به سفیر گفت: «171#&در حقیقت من به پول احتیاج خیلی زیاد دارم، ولی از گرفتن هر مبلغی از این پول امتناع می ورزم تا نکند که درباره این دعوت شبهه ای صورت گیرد.»&raqo

شگفت این جا است که شیخ قمی از گرفتن این مبلغ در زمانی که جیب او حتی از یک ریال پول هم خالی بود امتناع ورزید. خود او می گوید: «171#&از سفارت به طرف خانه پیاده برگشتم چرا که توانایی پرداخت کرایه درشکه را نداشتم»&raqo! (اتحاد و انسجام، ص ۴۵۲-۴۵۳)

نمونه ای دیگر از خردمندی شیخ قمی، جلوگیری از سوء استفاده شاه ایران نسبت به اعلان فتوای شیخ شلتوت بوده است. وقتی که قمی به ایران بازگشت رادیو و تلویزیون (دولتی) آن عصر، در صدد برآمدند که این موفقیت را به نوعی به محمدرضا شاه ایران، نسبت دهند. شیخ به شدت جلوگیری کرد و برای رساندن پیام رئیس الازهر، شهر مقدس مشهد را که از جایگاه دینی و علمی برخوردار است برگزید و در جلسه ای علمی که بسیاری از عالمان بزرگ - و در رأس آن مرجع دینی آیه الله سید محمد هادی میلانی(قدس سره) - حضور داشتند، فتوای شیخ شلتوت را رسماً اعلان و قرائت کرد.

اندیشه ها

- علامه شیخ محمدتقی قمی معتقد بود اگر درست به ریشه نام دو مذهب شیعه و سنی توجه کنیم، تمام مسلمانان را شیعه می یابیم، زیرا همگی دوستانر خاندان پیغمبرند و همگی را نیز اهل سنت می یابیم زیرا کلیه مسلمانان، هر سنت و دستوری (را که) از طریق مطمئنی از پیغمبر گرامی(صلی الله علیه وآله) وارد شده باشد، لازم الاجرا می دانند. بنابراین ما همگی سنی، شیعه، قرآنی و محمدی(صلی الله علیه وآله) می باشیم. (تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ص ۸۱)

- در نگاه علامه قمی، مسلمانان همگی در اصول با یک دیگر مشترکند، زیرا حکمت خداوند بر این قرار گرفته است.
- به عقیده وی، تمامی مذاهب، اعم از شیعه و سنی در ایجاد فرهنگ اسلامی و رشد و نمو و تعالی آن سهیم بوده اند.
- او همواره، اذعان می نمود که اگر خواهان عزت و سربلندی گذشته باشیم، تنها یک راه پیش روی مسلمین قرار دارد و آن وحدت فرق اسلامی است.

- از منظر وی، مسلمانان در صدر اسلام با همبستگی و یکپارچگی توانستند کاخ فرهنگ اسلامی را بنا نمایند. (اتحاد و انسجام، ص ۴۴۶)

منابع و مأخذ:

- ۱- اتحاد و انسجام، مؤسسه امام هادی(علیه السلام)، انتشارات پیام امام هادی(علیه السلام)، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۶، قم، ایران.
- ۲- پیشینه تقریب، محمدعلی آذرشب / نشر مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- ۳- تقریب بین مذاهب اسلامی (۱)، ویژه نامه چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی، مهرماه ۱۳۶۹.
- ۴- روزنامه اطلاعات، اول اسفند ماه ۱۳۵۷.
- ۵- قصّة التقرب، شیخ محمدتقی قمی، اعداد و تقدیم و ملاحق: سید هادی خسروشاهی، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الاسلامیة، الطبعة الأولى، ۱۴۲۸ هـ. ق، طهران، ایران.

منبع: خبرگزاری تقریب